

وتلگراف ووزارت فواید عامه اخیراً بر فعالیتشان افزوده اند و لازم دانستم بمرض آقایان برسانم که گویا این فعالیتها موافق قانون نباشد مثلاً فعالیت وزارت مالیه این است که زود زود حسابها را رسیدگی می کند و مفصلاً حساب می دهد محاسبات را تسویه می کند خسارات را قبول می کند بعضی امتیازات امتداد می دهد و نمی دانم از روی کدام ترتیب و قاعده این کارها را می کند گویا فراموش کرده اند که آن اعتبار چهل هزار تومان باید صورتش ماه به ماه بمجلس بیاید و الا آن قریب دوسه ماه است که صورتی از آن اعتبار چهل هزار تومان نفرستاده اند و از طرف دیگر شنیده ام و شاید هم همین طور نشده باشد از اعتبار برج آینده هم مصرف شده است و اگر برای برج آینده دولت اعتباری بخواند گمان می کنم نداشته باشد این فعالیت وزارت مالیه است . اما فعالیت وزارت فواید عامه خیلی مفصل است مثلاً با یک ترتیبی که هیچ مناسب نبوده قراردادها می بندد در صورتی که معلوم نیست از روی کدام اصل این کار را می کند که در حقیقت این کارها هر کدام در موقعش موجب یک استحضاری خواهد شد و حالا بنده بطور یادآوری عرض می کنم چون در پایان مجلس همه قسم مذاکره را می توان مطرح نمود لذا بعنوان راپورت این مسائل را بمرض آقایان میرسانم زیرا قبول کردن خسارت یا ادامه دادن کنتراست چیزهایی نیست که بکنفر وزیر می تواند شخصاً این کارها را بکند و بقدری در این موضوعها فعالیت بخرج می دهند که حتی نهارها را هم در وزارت یمت وتلگراف صرف می کنند که وقت تلف نشود و سربتر کار بگذرد مثلاً یکی از کارهای جدی وزارت فواید عامه این است که امتیاز بعضی راهها را بدون اینکه بمناقصه بگذارند باز باب بهمن واگذار کرده اند و این مسئله برخلاف قانون است و اینها دخالت در اموال عمومی است و هر چه فکر میکنم می بینم بدون اطلاع نمایندگان نباید این کارها را بکنند و شاید اگر بمناقصه گذارده بودند یک اشخاصی پیدا میشد که کمتر قبول می کردند یک مسئله دیگر که خیلی مهم است این است که اخیراً شنیده ام بعضی از نوشتجات مخصوصاً در وزارت مالیه مفقود می شود .

مثلاً اگر یک دوسیه را بخواهند شاید خیلی از نوشتجات آن دوسیه مفقود شده است و چون این مسئله که عرض میکنم کاملاً اطمینان ندارم لذا بطور تردید عرض میکنم مخصوصاً شنیده ام دوسیه هایی که میگویند پیدا نیست دوسیه حوالجات فقط جنوب است که گویا بعضی از اوراقش دست خورده است و اگر آقای وزیر مالیه اینجا تشریف داشتند و این مسئله را سؤال

مینمودم که آیا صحیح است یا سقیم خوب بود بهر جهت چون این مسائل را بر ضرر مملکت میدانستم باین جهت عرض کردم و البته هر یک از آقایان هم اطلاعاتی در این مسئله دارند باید بفرمایند و مخصوصاً باید این مسئله را یادآوری کرد که راجع بود چه و امتیازات وزراء بدون اطلاع مجلس نمیتواند کاری بکنند و اگر مجلس آن را تصویب نکند صحیح نیست زیرا که برخلاف قانون است و رسماً از درجه اعتبار ساقط است

**رئیس - آقای داور ( اجازه )**

**میرزا علی اکبر خان داور - بنده راجع بدستور عرض دارم .**

**رئیس - دستور فردا هنوز گفته نشده است مهذا تقاضای خود را بفرمائید**

**داور - بنده خواستم تقاضا کنم در اولین جلسه که ممکن باشد لایحه که از طرف دولت راجع بجمع آوری نغم ملخ رسیده و از کمیسیون گذشته جزو دستور شود . لایحه دیگری هم راجع بامراض حیوانات از طرف وزارت فواید عامه رسیده چون موقع آن میگردد خوب است زودتر جزو دستور شود .**

**رئیس - آقای رئیس التجار ( اجازه )**

**رئیس التجار - باز یکی از آقایان راجع بمسائل اقتصادی شرحی بیان فرمودند در صورتیکه بکرات این مسئله در مجلس سؤال شده و جواب هم عرض شده که مسائل راجع بفواید عامه را هیئت دولتی باید پیشنهاد کنند بمجلس و از طرف مجلس به کمیسیون آمده تا کمیسیون مواد آن را تحت شور بگذارد والا کمیسیون بخودی خود نمیتواند در این مسائل وارد شود .**

**رئیس - جلسه آتی فردا سه ساعت و ربع قبل از ظهر دستورها اولاً بودجه وزارت عدلیه . ثانیاً لایحه راجع بکنتراست دکتر ویلهلم .**

**ثالثاً مستمریات اگر هم وقت شد لایحه راجع بجمع آوری نغم ملخ را هم جزو دستور میگذازم .**

**آقای طباطبائی ( اجازه )**

**میرزا سید محمد صادق طباطبائی لایحه حقوق چند نفر متقاعدین وزارت جنگ حاضر است تقاضا می کنم آنهم جزو دستور شود .**

**رئیس - هنوز حاضر نشده است .**

**( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )**

**رئیس مجلس مؤتمن الملک**

**جلسه ۱۸۶**

**صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه هیجدهم قوس ۱۳۰۱ مطابق بیستم ربیع الثانی ۱۳۴۱**

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

**( صورت مجلس یوم شنبه هفدهم برج قوس را آقای امیر ناصر قرائت نمودند )**

**رئیس - آقای آفامیرزاهلی ( اجازه )**

**آقای زاعلی کازرونی - بنده را در صورت مجلس غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده مریض بوده ام و مریضه هم بمقام محترم ریاست عرض کرده ام .**

**رئیس - دیگر ایرادی نیست ؟ ( گفته شد خیر )**

**رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای تدین ( اجازه )**

**تدین - در چند ماه قبل پس از اصرار زیادی که بوزیر است وتلگراف شد در باب اینکه قرار دادهای تلگرافی که بین دولت ایران وانگلستان منعقد شده است بتصویب مجلس شورای رسیده است باید بیاورند بمجلس شورای ملی تا رأی مجلس در آن خصوص معلوم شود .**

**بالاخره گویا آن قراردادها را بمجلس فرستاده اند و کمیسیون فواید عامه رجوع شده است و چند ماه است که متصل گفته می شود ولی تا کنون راپرتی در این خصوص از کمیسیون فواید عامه تقدیم مجلس نشده است .**

**بنابراین خواستم از آقای رئیس کمیسیون فواید عامه سؤال کنم که علت تعویق این راپورت چه بوده است ؟ بجهت اینکه بمقیده بنده علاوه بر اینکه این قراردادها چون بتصویب مجلس شورای ملی فرستاده است رسمیت ندارد**

**( صحیح است ) اگر باین شکلی هم که فعلاً هست ادامه پیدا کند پیش ضررهای فاحشی برای وزارت پست وتلگراف پیش می آید بنابراین خواستم ببینم علت تعویق چیست ؟**

**رئیس - آقای نجات ( اجازه )**

**آقای میرزا محمد نجات - بنده راجع بدستور عرض داشتم**

**رئیس - آقای رئیس التجار ( اجازه )**

**رئیس التجار - راپرت هایی که آقای تدین بیان فرمودند دوسه روز قبل از چهاردهم میزان که کمیسیونها تجدید میشد**

بکمیسیون فواید عامه آمده است و خاطر آقایان هم مستحضر است که تجدید کمیسیون بواسطه آن گفتگو هایی که در بین بود چند روزی عقب افتاد بعد از یکماه که کمیسیون تشکیل شد این مراسلات درستی کاغذ سایر کمیسیونها مخلوط شد و تا چندی در دفتر پیدا نشد تا سه روز قبل بکمیسیون آوردند و فرار دادند که در این چندروزه نظر بکنند و راپورتش را بمجلس تقدیم دارند

**رئیس - آقای حائری زاده ( اجازه )**

**حائری زاده - بنده دو مطلب خواستم عرض کنم اول راجع بعمل ارزاق در صورتی که دولت مبالغی در سال متحمل می شود که ارزاق طهران را فروان کند که اسباب زحمت برای اهالی طهران فراهم نشود بنده می بینم راپرت تلگرافی که از شیروان رسیده است در آن راپرت نوشته شده که حقیقتاً خیلی مایه تأسف است و همین قبیل مسائل تولید سوء نظریات می کند که جنس های خالصه که در شیروان داده است دولت به یکی از محترمین فروخته است و اهالی آن جا برای تصرف دادن جنس مانع شدند و شکایت می کنند می گویند ما خودمان ده یک علاوه بر قیمتی که دولت فروخته حاضریم خریداری کنیم که اسباب تنگی برای ما در محل خودمان تولید نشود دولت از یک طرف در طهران مبالغی از خزانه مملکت برای ارزانی ارزاق صرف می کند و از یک طرف جنسی که در شیروان است بیک ثمن بخسی می فروشد و اسباب قحطی در آنجا فراهم می کند می خواستم شرحی بدولت نوشته شود که تقاضای اهالی شیروان را بپذیرد و همان مبلغ ده یک علاوه را که قبول می کنند به آن ها بفروشند مسئله دیگر راجع بکارهای داخلی مجلس بوده چند نفر از آقایان در سه کمیسیون رسمی عضویت دارند باین جهت کمیسیونها دیر تشکیل می شود و اکثریت پیدا نمی کنند و راپورت های کمیسیون دیر صادر می شود**

**مثلاً آقای حاج شیخ اسدالله در کمیسیون بودجه جدید و قدیم و کمیسیون عدلیه عضویت دارند**

**آقای سهام السلطان . آقای منتصر الملک . حاج نصیر السلطنه در کمیسیون بودجه قدیم و جدید و خارجه عضویت دارند .**

**آقای رئیس التجار در کمیسیون بودجه جدید و قدیم و کمیسیون فواید عامه عضویت دارند بنابراین خوب است از یکی از آن کمیسیونها استعفا بدهند تا دیگری بجای آنها انتخاب شود که هم اسباب تعویق کار ما نشود که مطالب زودتر بگذرد و هم برخلاف نظامنامه رفتار نشده باشد ( صحیح است . )**

**رئیس - آقای سلیمان میرزا**

(اجازه)

**سلیمان میرزا** - اگر آقایان فراموش نفرموده باشند دیروز در پایان جلسه بنده مرض کردم سه وزارت خانه بر فعالیت شان افزوده اند که اسم هم بردم باز امروز یکی از دلایل فعالیت وزارت پست و تلگراف بدست بنده آمده است حالت مردم بدبخت یکقدری معلوم شد که چه چیز است این است که بنده برخودم حتم دانستم در قسمت اول مجلس یکقدری از صدمات مردم را به آقایان تذکر بدهم و یکقدری هم فعالیت وزارتخانه های فعال خودمان را در نظر داشته باشیم که چقدر برای خیر مردم فعالیت می کنند و فعالیتشان بچه قسم است از کرمان تلگرافی کرده اند یازده کیبه دارای دو صفحه که حالا به مرض آقایان می رسانم تا بعد معلوم شود فعالیت یعنی چه مقام منیع ریاست وزراء عظام -

یازده کیبه مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه - وزارت جلیله مالیه - وزارت جلیله عدلیه - آقایان مؤیدالاسلام آصف الممالک - رفعت الدوله - آقای میرزا شهاب الدین - عدل السلطنه و کلای معتمد دارالخلافه - و کلای محترم آذربایجان و کلای محترم خراسان ( روی این سه قسمت اخیر را که کیبه بنیادگان مجلس است خط مهر نشده اند و بعد چون دیده اند اول تلگراف نوشته شده یازده کیبه آن وقت رسانده اند ) کلنل فرامرز خان رئیس مالیات غیر مستقیم بهانه ایشان سر رشته قنوات ملکسی شما سادات ستم رسیده از اراضی خرجند زماشیر متعلقه بدولت می گذرد باها فشار آورده که مبلغی بعنوان قیمت اراضی که زیر چاههای قنوات مذکور افتاده است از فدویان باخود دارد در حالی که اگر دولت مشوق رنجبران در زراعت شود و قاعده بدهم که حکم عمومی ملل عالم است ملتی میشد و یا خدمتگذاران سابق دولت بواسطه یودداشتن ماهاتسلیم در حقل چاهها نشده بودند ( تا اینجا امیدانم یود داشتن چه است

**رفعت الدوله** - بلی بود داشتن معنی چاه قدیم

**سلیمان میرزا** - بلی حالا تاریخش را دقت فرمائید ( تازه قیمت اراضی زیر چاهها که منتهی یکچه می شود صد تومان بیش نمی شد در این دوروزه کلنل مذکور یادداشتی بمقام ایالت جلیله برخلاف قوانین تمام دنیا مرض و تقاضا کرده است مبلغ ۹ هزار تومان و خورده بحساب بانک از یکسخت سادات معروض آنهم در این تنگ دستی و عدم تجارت وزراعت مطالبه فرمایند ایالت جلیله هم حکم فرمودند تا روز شنبه ۱۹ شهر ربیع الاخر این وجه را بپردازند ( باز یک جمله ایست نمی توانم بخواهم بلی یابی ... )

**آقاسید فاضل** - بلی است مقصود اهل بم است که بعد از سالها **رفعت الدوله** - نه خبر بلی است **سلیمان میرزا** - بلی از بس تلگرافات را خوش خط می نویسند باید در سربیک کلمه بلی یابی اینهمه صحبت میشود و اختلاف نظر حاصل گردد

بلی بعد از سالها قانونی بودن مملکت و دائر بودن عدلیه قانونی یکتفر رئیس اداره بدفاع خود اینطور حکم می کند - چون اقدام و تذکر و برخلاف قوانین و پرداخت چنین وجه از حوصله ما خارج خواهد بود این است که بآن مقامات عالیه تظلم میکنم که این عملیات صرف استبداد و پست یا زدن بمرجع تظلمات عمومی است

استدعا است به کلنل مذکور حکم فرمایند و تلگرافی مخابره شود که اگر حرف حسابی دارد رسماً بمحکم ریاست عدلیه بمحکم قانون عرض حال داده در محاکمه هر که محکوم شود حکم عدلیه به موقع اجراء گذارده شود چون ایام مهلت قلیل است استدعای بموقع فوری از این اقدام قانون شکن راداریم - امضاء افخم السلطنه نصرت الملک - آصف نظام) هر کس هست کاری بآن نداریم فقط در استظام اداره می خواهم صحبت کنم. اولایک خلاف قانونی که نسبت به یکمشت مردم شده و تعدیاتی به آنها کرده اند و آنها بمجلس ملتجی شدند و تظلم کردند و گویند تا نوزدهم ربیع الثانی ضرب الاجل کرده اند و شما قبل از نوزدهم فکری برای ما بکنید آن وقت این تلگراف و تلگراف خانه دیشب می رساند

**ارباب کیخسرو** - تاریخ اصل تلگراف چه روزیست

**سلیمان میرزا** - در صورتی که تاریخ اصل یعنی تاریخ مخابره سیزدهم است این خودش یک فعالیت است که تلگراف در سیزدهم مخابره شده است دیشب می رسانند بعد از آنکه ضرب الاجل بگذرد بعد تلگراف خانه محترم چون خیلی فعالند از برای اینکه غفلتشان مغفی بماند در تاریخ تلگراف دست میبرند و چون دو صفحه است دقت نمی کنند که گیر می افتند صفحه اول را هفدهم می کنند یعنی تاریخ اصل را هفدهم می نویسند اما صفحه دوم را فراموش می کنند و تاریخش همان سیزدهم است فاضل از آنکه و کلاه سایر تلگرافاتشان را نگه داشته اند و فرضاً هم این اشتباه را نکرده بودند می توانند نمرات را بدست بیاورند باز دو تلگراف دیگر این جاروی تریبون است که یکی آنها در شب سیزدهم قوس است و نمره ترتیبش یکصد و بیست و چهار است و این تلگرافی که خواندم نمره ترتیبش صد و بیست و پنج است توجه فرمائید - آیا در این مدت چند روز فقط

یک تلگراف شده است؟ تلگراف شانزدهم قوس را هم دارم که نمره اش صد و پنجاه و شش است و گویا تلگراف هفدهم قوس رجعت فقهرائی کرد و نمره اش صد و بیست و پنج شده است این محقق است با این اسنادی که این جا رو بروی من است تلگرافی که شده است تلگراف خانه محترم تلگراف این شخص را که بمجلس ملتجی شده با یازده کیبه تمام وزارتخانه ها و تمام و کلاه پنج روز در تلگرافخانه توقیف می کنند یا خیر؟ حسن ظن داشته باشیم که آنقدر گذاشته اند در یک گوشه و از بس اداره منظم و مرتب است پس از پنج روز که آن بیچاره ملتجی شده در زیر فشار ماند و پول را از اومی گیرند و آنوقت می رسانند معلوم میشود تنها غفلت نبوده است بلکه کافدسازی است که تاریخ تلگراف را عوض می کنند و می نویسند هفدهم در صورتی که در صفحه بعدش فراموش کرده و همان سیزدهم باقی مانده است و آنوقت گیر می افتند و عرض کردم که تلگراف یازدهم یا شانزدهم قوس نمره اش یکصد و پنجاه و شش است و این تلگراف هفدهم نمره اش یکصد و بیست و پنج شده است نمره همیشه روی بالا میرود یا روی پایین؟ خیلی اسباب خوشوقتی است تلگراف خانه که مرکز عمده و محل امر از مردم و از وسائل اولیه تجارت است از حیث برات و سایر ترتیبات یک چنین فعالیتی بخرج می دهد آیا من بعد دیگر مردم بچه قسم تجارتشان اداره شود؟ آیا متظلمین بدبخت وقتی که بمجلس و ریاست وزراء و وزارت عدلیه و داخله مالیه تلگراف میکنند جایشان این باشد که تلگراف را اینقدر نگاه بدارند که موعده بگذرد و متظلمین گرفتار فشار بشوند؟ آیا می توان گفت مردم می توانند در این مملکت تجارت کنند و چه طور مطمئن باشند که تلگرافشان مخابره می شود؟ این از دو حال بیرون نیست یا تلگراف خانه این تلگراف را بامروز بریا بامر شخص بالاتر توقیف کرده است که این تلگراف را ندهند تا وقت بگذرد یا اینکه اینقدر بی ترتیب است که اداره تلگراف نظم ندارد و یک کسی که در تلگراف ضرب الاجل کرده است و می گویند تا نوزدهم مرا می کشند و من روز سیزدهم بشما خبر می دهم که یک علاجی بکنید آنوقت آن تلگراف را می گذارند روز بیستم که او را کشتند آنوقت تلگراف را می دهند دست طرف در صورتیکه مرجع آن و کلای مجلس و ریاست وزراء باشد این است که من می خواهم مطابق قانون اساسی تقاضا میکنم کمسیون تحقیق تشکیل شود ( اگر مجلس موافقت کند) که بروند و تقبیل کنند ببینند این وزارتخانه که محل اعتماد و تجارت مردم است چرا این کار را کرده است و بمجلس رایورت بدهند که آیا بامروز بر بوده است

یا از غفلت اجزا بوده است و این چه ترتیبی است که تاریخ نامه را عوض کنند آیا دیگر اعتمادی باقی می ماند که مطالب او را هم دست نبرده باشند و عوض نکرده باشند این است که بنده تقاضا می کنم برای اینکه حقیقت امر معین شود کمسیون تحقیقی از مجلس معین شده و برود رسیدگی کند شاید در تلگرافخانه محترم از این خلاف کارها ( که یکی از آنها برسبیل اتفاق بدست بنده آمده است خیلی باشد و آیا تلگرافات مردم میرسد و خسارت های مالی و تجارتي به آنها وارد می شود یا خیر؟ دیگر بسته به نظر مجلس است که این کمسیون تحقیق را انتخاب فرمایند یا نه؟

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

**محمد هاشم میرزا** - بنده اجازه نخواستم شاید راجع بدیروز است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقاسید یعقوب** - بنده خواستم یک مطلبی عرض کنم و ناچارم عرض کنم اولاً در نظامنامه سؤال و کیل ازو کیل نداشتیم و ثانیاً امورات آقایان نمایندگان راجع بمکسیون و غیره با مقام ریاست و هیئت رئیس است بنده نمی دانستم که ما باید مفتش یا تهمت زننده بهمدیگر باشیم اینها بسته بنظر مقام ریاست است و بیان کردید در مجلس معنی ندارد ...

باید حفظ نظامنامه و نزاکت بشود ... رئیس - راجع بچه مطلب است؟

**آقاسید یعقوب** - راجع بفرمایش آقای حائری زاده که فرمودند بعضی از آقایان درسه کمسیون هستند خواستم عرض کنم اینها مسائلی است که متعلق بمقام ریاست است اگر در نظامنامه همچو چیزی ذکر شده بود مقام محترم ریاست از همه بیشتر اطلاع داشتند و اینکه اظهار داشتند که سهام السلطان و حاج شیخ اسدالله در سه کمسیون هستند بنده در این موضوع وارد نمی شوم چون حقایق بمقام ریاست معلوم است خواستم تذکر بدهم که مامتوجه نظامنامه می باشیم و مقامات خودمان را نسبت بنظامنامه حفظ می کنیم.

رئیس - در بیست روز قبل توسط اداره به آقایان تذکر دادم ولی اعتنائی نکردند هر وقت خواستند رعایت نظامنامه را بکنند خود بنده هم می توانم رعایت نظامنامه را بکنم بشرط آنکه دیگران هم رعایت کنند.

آقای فتح الدوله (اجازه)

**فتح الدوله** - بنده ندانستم که مقصود شاهزاده سلیمان میرزا چیست بالاخره در پایان یک سلسله مذاکرات که فرمودند تقاضای یک کمسیون تحقیق کردند.

(همه بین نمایندگان)  
توجه کنید آقایان . شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند يك تلگرافی از کرمان آمده است که تاریخ اصل این تلگراف شاهزده قوس است

میرزا شهاب الدین - شاهزده نیست سیزدهم قوس است  
فتح الدوله - اینجاشاهزدهم است حاج میرزا مرتضی - توی آن قلم رفته است  
فتح الدوله - تاریخ اصل آن تلگراف قوس است  
تدین - صفحه بعد را بخوانید سیزدهم قوس است  
فتح الدوله - عمده صفحه اول است (همه) توجه فرمائید آقا شما هم به نوبت خودتان حرف بزنید حالا نوبت بنده است من باید حرف خود را بزنم تاریخ اصل تلگراف ۱۶ قوس است و تاریخ وصول آن هفدهم قوس و خود شاهزاده فرمودند دیشب این تلگراف بمن رسیده است این دیر نشده است قلب و تزویری نشده است که حضرت والا تقاضای کمیسیون تحقیق کردند بسلامه در این تاریخ جزئی ممکن است فلان ثبات اشتباه کرده باشد این مسئله تصحیح وزیر است و تلگراف نیست بلکه تصحیر همان ثبات یا ضابط است یا فلان رونویس اشتباه کرده است این مطلب آنقدر مهم نیست که قابل تقاضای کمیسیون تحقیق باشد يك تلگرافی ۱۶ قوس مضایقه شده است هفدهم قوس رسیده این مسئله بعقیده بنده محتاج بيك سلسله مذاکرات مفصل نبود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)  
حائری زاده - من خیلی تعجب میکنم که آقایان توجه نمیکنند بعد اعتراض می کنند شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که در روز سیزدهم يك تلگراف دیگری موجود است که نمره ۱۲۴ دارد و این تلگراف نمره اش ۱۲۵ است در این چند روزه يك تلگراف شده است من بيك کپی از این تلگراف از آقای میرزا شهاب الدین گرفتم اگر آقای فتح الدوله وقت بفرمایند می بینند عدد ۳ که با جوهر بنفش نوشته شده است با جوهر آبی شش کرده اند در صفحه دوم فراموش کرده اند که درست کنند در این جا تقریباً يك کاغذ سازی شده است شاهزاده سلیمان میرزا تقاضا کردند يك کمیسیون تحقیق تشکیل شود که باین مطالب رسیدگی کنند به بییند قلب شده است یا نه؟ آیا وزیران معصوم هستند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)  
حاج شیخ اسدالله - بنده در این مذاکراتی که راجع بتلگراف می شود

رضی نارام البته يك قضیه که اسباب سوءظن میشود باید رسیدگی کرد تا مطلب کشف شود و هر کس هم قلب کرده باشد مجازات شود بنده نسبت به آن فرمایشی که آقای حائری زاده فرمودند که بنده در سه کمیسیون هستم اولاً بنده خبر نداشتم و نمیدانم آیا حقیقت دارد و می توان آن را بکمیسیون اطلاق کرد که بنده از يك کمیسیون استعفا بدهم این مطلب را مجلس باید حل کند برای اینکه بنده عضو کمیسیون سابق بوده ام و مطابق نظامنامه مدت کمیسیون بودجه سابق منقضی شده بعد در سیزدهم میزان تجدید انتخاب شد بنده را برای عضویت کمیسیون بودجه جدید انتخاب کردند این ایراد بر بنده وارد نیست بر متتبعین وارد است مطابق نظامنامه با اینکه کمیسیون بودجه جدید انتخاب شد بکمیسیون بودجه قدیم حق داده شد اگر يك قضایائی باشد که راجع بودجه آن سال مطرح باشد و ناقص باشد کمیسیون بودجه قدیم که دوره اش منقضی شد باید رسیده گی کند حالا اگر مجلس شورای ملی این کمیسیون را در واقع دو کمیسیون می داند البته بنده از یکی از آنها استعفا می دهم و از خدمتی خواهم که از هر دو استعفا بدهم ولی اگر کمیسیون نیست و عملیاتی که این کمیسیون میکند موقتی و بطور فوق العاده است آنوقت نمی شود تصدیق کرد که بنده عضو ۳ کمیسیون هستم و این مطلب منحصر به بنده نیست يك جمعی هستند که مبتلا باین قضیه هستند و اگر می فرمایند ۴ کمیسیون است بنده از کمیسیون قدیم استعفا خواهم داد و عضویت کمیسیون بودجه جدید را می پذیرم اما اگر اعضای کمیسیون این ترتیب برایشان اتفاق افتاد آنوقت نظامنامه را بطور باید اصلاح کرد اگر هر آینه اموراتی بطور فوق العاده بکمیسیون بودجه قدیم رجوع شود در حالتی که همه اعضای آن استعفا داده باشند آنوقت این نظامنامه در موقع عمل تولید اشکال میکند پس اعضای کمیسیون بودجه جدید نمی توانند از عضویت آن کمیسیون استعفا بدهند و عملیاتی که میکند فوق العاده است نه اینکه بگوئیم کمیسیون بودجه که حالا مجلس انتخاب کرده است دوره انتخاب او هم حالا است حالا با همه اشکالات که ممکن است تشکیل شود اگر مجلس شورای ملی تصدیق کند با اینکه دوره کمیسیون بودجه قدیم منقضی شده است مشمول نظامنامه می شود و حکم کمیسیون را دارم من الان استعفا می دهم

رئیس - آقای سردار مقفم (اجازه)  
سردار مقفم - آقای تدین چون از بنده سؤال فرمودند این است که بنده بطور اختصار عرض میکنم توضیحی که

آقای رئیس التجار دادند همه اش این هلتی که فرمودند بوده است که بنده عرض میکنم نظر بیست و هفتی که وزراء دارند بیست و هفتی که به مجلس تقدیم می کنند بایستی دارای يك مقدمه باشد و اظهار عقیده کرده باشد و در این موضوع شرحی را که وزیر نوشته است در واقع يك مراسله است و اظهار عقیده نکرده چون وزیر اظهار حاضر نشده اند توضیحات دهند بنده نمیدانم کمیسیون بطور می تواند این مراسلات را رسمیت بدهد و در کمیسیون مطرح بکند اگر اجازه می دهید آن کاغذ را که از طرف وزیر در این خصوص رسیده است بنده قرائت کنم و بعرض برسانم اگر چنانچه کافی می دانند کمیسیون مطرح مذاکره قرار بدهند و اگر کافی نیست وزیر باید مطابق قانون پیشنهادهای تقدیم مجلس کند و نظریه خود را بطور مقدمه اظهار نماید آنوقت کمیسیون می تواند عقیده خود را اظهار نموده به عرض مجلس برساند و اگر آقای رئیس اجازه می دهند مراسله خوانده شود.

رئیس - مربوط با اجازه مجلس است .  
آقای سلیمان میرزا (اجازه)  
سلیمان میرزا - بنده عرض می کنم هر کس دقت نکند مطلب را همین طور بیرون می آورد بنده دو ساعت این جا حرف زدم که تلگرافخانه در تلگراف قلم برده اند و به مجلس تظلم کرده اند و گفته اند تا نوزدهم ربیع الاخر بما مهلت داده شده امروز نمی دانم چندم ماه است (یکی از نمایندگان کان بیستم)  
شب بیستم ربیع الاخر که موافقت منقضی شده است تلگراف را بطرف داده اند این يك اهمالی است که شش روز یا هفت روز تلگراف را در تلگرافخانه بدون هیچ دلیل توقیف کردند و به مجلس و کلاهی مجلس رساندند دیگر اینکه در تلگراف مردم قلم برده اند.

باید در وزارتخانه دولت و هیئت دولت امنیت باشد مردم اسرارشان با آنها رجوع می کنند اگر آنقدر در آنها اعتماد نباشد مردم دیگر چگونه اموراتشان را به آنها رجوع می کنند فرض کنید اشتباه هم کرده باشند یا در تاریخ آن قلم برده باشند پس دیگر چه چیز باید اعتماد کرد فردا که برای من تلگراف می کنند چه چیز باید اعتماد کنم که حقیقتاً این مطلب طرف من است به عقیده بنده مداخله کردن در تلگرافات مردم يك تصمیم بزرگی است و چون مجلس حق تفتیش و تحقیق در هر امری از امور مملکتی دارد بنده از مجلس تقاضا کردم کمیسیون تحقیق معین کند که این مطلب را تعقیب کنند زیرا که در

تلگرافات و کلاهی آذربایجان از این نظایر زیاد است وقتی می بینم تلگرافخانه نظم ندارد و به مبل وزیر است تلگراف هر کس را می خواهد می دهد و هر کس را که نمی خواهد نمی دهد تلگرافی که به اسم بنده و کلاهی آذربایجان است شش روز در تلگرافخانه می ماند تا موقع آن بگذرد تجار باین ترتیبات و این تلگراف خانه چطور می تواند تجارت کنند (آقای فتح الله بیرون رفتند که حرفهای مرا نشنوند بنظرشان هم تقصیری نیست اگر ایشان درجه رحمانیشان آنقدر غلبه دارد که هیچ چیز را نمی توانند تصحیر فرض کنند و همه چیز را می بخشند با این ترتیب مملکت اداره نمی شود وقتی تلگراف وکیل مجلس از عرض مصون نباشد و برخلاف قانون اساسی تلگراف را نگاه دارند دیگر تاجر بدبخت و رعیت فلک زده به کجا فریاد بزنند من حق دارم و بلند فریاد می زنم که این تلگرافخانه نیست این اداره مملکت نیست تلگرافات و کلاهی را که شش روز رسانند و در بر سرسانند تلگرافات سایر مردم معلوم است حالشان چیست بنده حق دارم این حرف را بزنم و بتمام دنیا اعلام می کنم این تلگرافخانه منظم نیست و ادله آن هم اسنادش است که در این جاهست اگر يك کمیسیون تحقیق باشد معین می شود که تلگرافات و کلاهی آذربایجان و غالب تلگرافات و کلاهی اقلیت و هیئت مؤلفه چه حسابی دارد و اگر يك کمیسیون تحقیق باشد بنده نشان می دهم روزنامه ای که به اسم بنده میرسد حالش چه چیز است و اسناد خود را هم ارائه خواهم داد وقتی که بنده بکنفره کیل مجلس هستم و تلگراف بنده حالش این باشد پس برای سایرین فریاد رس نمی باشد تازه یکی از کلاهی مجلس می گویند تقصیری نکرده است يك تلگراف سیزدهم را هیچدهم آورده است این بزرگترین تقصیر است به عقیده بنده که برخلاف قانون اساسی تلگرافات را در بر سرسانند این هم سندش پس اگر يك کمیسیون تحقیق باشد بسیاری از این اسناد و کاغذها در روزنامهها را بنده به آن کمیسیون می دهم تا حال مردم معلوم شود که در این مملکت از حیث کاغذ و تلگرافه و جرایم با آنها چه نوع رفتاری شود و جرایم را در نقاط مختلفه توقیف می کنند (یکی از نمایندگان کان بیست و هفتم)  
سلیمان میرزا - پیشنهاد چطور است اگر می فرمائید کتبی باشد الان می نویسم که يك کمیسونی معین شود و تحقیق کند به بییند حال مردم و تجارت مملکت که باید توسط تلگراف بشود از چه قرار است و این هم یکی از اسنادش بود که خواندم و اگر بنظر بعضی ها مهم نیست

نظر بنده خیلی مهم است و باید تحقیق شود .  
رئیس - آقای تدین (اجازه)  
تدین - مدافعه آقای فتح الدوله بیشتر بر سوء ظن انسان می افزاید زیرا اگر چیزی نیست و اداره تلگراف خانه واقعا منظم است چه مانعی دارد از اینکه ۴ نفر بر سر رسیدگی کنند بعد باید بگویند هیچ چیزی نبود و کاملاً منظم است ولی حالا که شاهدافه می کنید بیشتر تولید سوءظن می کند بنده هم از تلگرافخانه اطلاعات دارم که يك قسمتش را در ده ماه قبل بعرض رساندم مگر در همین تلگرافخانه نبود که تلگراف مستشار الملک به مجلس کرده بود ضابط کردند و مجلس ندانند تا اینکه سوادش را در بیاد طبع کرد باینجا فرستاد مگر در همین سلکت نبود که وکیل بدون تقصیر و معاکه تبعید کردند و قریب ۲ سال است در ولایت فریاد می کنند ؟  
اینهارا کی کرد همین وزیر است و همان اشخاص و همان کتلها اگر واقعا مطمئن هستید چه عیبی دارند بر سر رسیدگی کنند این بد حرفی است ؟ بد تقاضائی است ؟ هج در این است که در یک مواقعی تا مابکر می می زنیم فوراً تصور می کنند مقصود ما این است که بدولت حمله کنیم و کابینه را ساقط کنیم نه اینطور نیست و بنده هم اینطور نبودم و از اول مجلس تا بحال بی طرفی و بی فرضی خود را به آقایان ثابت کردم و من در عین اینکه با دولت و رئیس الوزرای حاضر مخالف بودم و هستم و از نقطه نظر اقلیت با هر چیزی که دولت پیشنهاد می کند باید مخالفت بکنم من ذلك مخالف نکردم خود شما در این مجلس دیدید که من طرف دار عقیده خودم بودم و در عین اینکه مخالف با حکومت و دولت حاضر بودم بهر قانونی که موافق مصالح مملکت باقم رای داده ام و مدافعه کردم تمام رفقای من اینطور بودند .  
تا وقتی يك حرف می زنیم از نقطه نظر اکثریت عقیده است همه وکیل هستیم. مسئول مملکت می باشیم از نقطه نظر مصالح مملکتی فرق بین اقلیت و اکثریت نیست اگر يك روزی بگوئیم وزیر است و تلگراف فلان خلاف را کرده است نباید بصرف اینکه اکثریت پشتیبان حکومت است یا روی حق گذاشت .  
آقایان وظیفه اکثریت است که نگذارند دیگری استیضاح کند و خودش اصلاح کند اکثریتی که می خواهد زمام مملکت در دستش باشد و پشتیبان يك حکومتی باشد باید خودش جلو گیری از اجحاف و تعدیات کند و نگذارند صدای اقلیت در آید بنا بر این علاوه بر این تقاضا بنده

اسناد دیگری ارائه می دهم در چندی قبل با ۱۰ شازده نفر از نمایندگان پیشنهادی کردیم و تقدیم بعقام ریاست نمودیم بعد دیگر تفهیمیدیم چطور شد پیش نهاد ما راجع بعدلیه بود که تقاضا کردیم کمیسیون تحقیق معین شود بروند در اجرای عدلیه به بییند احکامی که موقوف الاجرا مانده چقدر است و علت توقیف آنها چیست ؟ اگر بنده فردا یا امروز تقاضا کنم مجلس کمیسیون تحقیق انتخاب کند فرستد بمالیه و صندوق و خزانه مالیه را تفتیش کنند بییند چه اجحافاتی چه تعدیات و هرج و مرج هائی در آنها تولید شده است می گویند این حرفها را نباید زد و این اهمیت ندارد بنابراین مطابق قانون اساسی این تقاضا را می کنم شما قبول نمی کنید و بگویند ولی ما بوظایف خود عمل کرده ایم و وظیفه می کنیم البته برای با آنهاست که از حیث حدود زیاد تر هستند ولی نمی توانند بگویند شما حق ندارید با اینها چیزی است و اهمیت ندارد دعوائی نداریم اختلاف عقیده که نباید موجب خصومت بشود مطابق قانون اساسی پیشنهاد می کنیم يك کمیسیون تحقیق برای رسیدگی با امور تلگراف خانه يك کمیسیون تحقیق برای رسیدگی با امور اداره اجرای عدلیه و احکامی که موقوف الاجرا مانده و يك کمیسیون برای امور مالیه معین شود و اسناد راجع به آنها در پشت این تریبون خوانده شود تا مردم حق را تمیز بدهند آنوقت لازم نیست که بنده بگویم وقتیکه مردم از حقایق مطلع شدند و دانستند که من بوظیفه عمل می کنم دیگر با کی بر من نیست منتها اگر بیش از این قدرت داشته باشم (لا تکلف الله نفساً الا وسعها) اگر واقعا مطمئن هستید که چیزی نیست بپذیرید و با شوق شرف این کمیسیونها را قبول کنید و اگر می دانید چیزی است از نقطه نظر مسؤولیت باید خودتان بر ما تقدم بجوئید پس مادر این جا آمده ایم چکار کنیم وجه کرده ایم برای این مملکت چه اندازه از حیث وکیل یا تعدیات حکام جلو گیری کرده ایم امروزه با دوره فترت چه فرقی دارد دوره فترت هم همین طور هرج و مرج بود حکام وزراء هر چه می خواستند می کردند بنده اسنادی دارم و هر روزی که برای استیضاح حاضر شوم عرض خواهم کرد نهایتاً اگر هم مغلوب شوم از مغلوبیت نمی ترسم نتیجه مبارزات یا غالبیت است یا مغلوبیت البته ما همدلاً قلیل هستیم و در موقع رأی مغلوبیم ولی بصرف مغلوبیت ما نباید دست از وظیفه خودمان برداریم بنده اسناد دارم آقای وزیر است و تلگرافه هزار تومان مضارح مسافرت رم را گرفته است سندش در دست من است و حواله بمالیه شده است و معلوم نیست چه اطرفه میروند اگر چه نظامنامه میگوید تا یکماه باید جواب بدهند این

آدم ماهی هفتاد پنج تومان بعنوان حقوق معلمی از تلگرافخانه میگیرد و سندش را هم دارم در صورتی که معلمی هم نمیکند آن معلم بدبخت که نان ندارد و جان میکند باید تعطیل و گرو کند شش ماه هفت ماه حقوقش عقب بیفتد خیلی چیزهای دیگر هست که بنده اسنادش را دارم بصرف این که اکثریت پشتیبان این حکومت است نباید وزر و وبال هر حکومتی را بعهده خودش بگیرد و خودش نباید بگذارد اینطور بشود (بعضی گفتند صحیح است)  
آقای سعید یعقوب - (با صدای بلند) وکیل که از وکیل استیضاح نمی کند پشت تریبون استیضاح کنیدا ما هم جواب بدهیم اکثریت همه همراه هستند  
ملک الشعراء - همین تدین برای قرارداد کنفرانس داده (همه واد و فریاد بین نمایندگان کان)  
در این موقع آقای رئیس از مجلس خارج و نمایندگان نیز با داد و فریاد و همه خارج گردیدند و دیگر مجلس تشکیل نشد)  
رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه ۱۸۷ صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیستم قوس ۱۳۰۱ مطابق بیست و دوم ربیع الثانی ۱۳۴۱ (مجلس دو ساعت و يك ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)  
(صورت جلسه بکشبه هجدهم قوس را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند)  
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)  
حائری زاده - راجع به جنس شیروان عرض کردم اهالی حاضرند بفرند و در صورت جلسه نوشته شده است با يك نکت علاوه اهالی حاضراند بفرند تقاضا می کنم اصلاح شود  
رئیس - آقای عدل السلطنه (اجازه)  
عدل السلطنه - آقای آقا سعید حسن خان راجز و دیر آمده کان بی اجازه نوشته اند در صورتی که سبب دیر آمدن ایشان این بود که نزد طبیب رفته بودند و به توسط بنده هم اطلاع داده بودند  
رئیس - دیگر ایرادی نیست ؟ راپورت شنبه اول راجع بشاینده بوشهر